

سلام و صبح بخیر!
امروز برادر تیم سندل درباره‌ی انجیل مرقس برایمان موعظه خواهد کرد.
باشد که برکت گیریم

مرقس ۱: ۱-۱۱

نظر شما در مورد عیسی چیست؟

ممکن است این به نظر سؤال عجیبی باشد که در کلیسا در صبح یکشنبه با نزدیک شدن به عید پاک بپرسیم. اگر این را در خیابان مور بپرسیم نگاه‌های ناباورانه زیادی دریافت خواهیم کرد - شاید همه‌ی کسانی که در راهروی سوپرمارکت به دنبال تخم‌مرغ‌های عید پاک هستند زندگیشان ارتباط نزدیکی با عیسی نداشته باشد... اما این متن از ما این سوال را می‌پرسد - زندگی شما در حال حاضر چه نسبتی با عیسی دارد؟

این متن داستانی با سه صحنه است، و در هر صحنه ما پاسخ‌های متنوعی به عیسی خواهیم دید - و روح‌القدس در هر صحنه از ما می‌پرسد، چگونه به عیسی پاسخ می‌دهید؟

صحنه ۱: حاکمان مذهبی قاتل. آیات ۱-۲

صحنه را تصور کنید. ما در اورشلیم هستیم، شهری متراکم و در شرق میانه که معبدش بر فراز خط افق خودنمایی می‌کند. این شهر با کوچه‌های پر پیچ و خم تنگش، بیش از پنج برابر ساکنان عادی، مملو از بازدیدکنندگان است جمعیت در حال افزایش است زیرا به زودی عید پسخ و عید نان فطیر خواهد بود. سربازان رومی که این سرزمین را اشغال کرده اند، برای حفظ صلح به آنجا می‌آیند

مردم از سراسر سرزمین به آنجا آمده اند تا جشن بگیرند و به یاد آورند که چگونه خداوند قومش را از بردگی فرعون در مصر رهایی داده بود. روشی که در هر خانه یک بره عید پسخ کشته می‌شد، خون آن روی تیرک‌های درها نقش می‌بندد، تا خداوند هنگام نجات آنها از آنجا عبور کند. در هر خانه، یک نفر می‌مرد - یا بره عید پسخ، یا پسر ارشد. و سپس آنها نجات داده میشوند

بسیاری از مردم در اورشلیم جمع شده بودند که بیشتر آنها حتی نمی‌توانستند در شهر بمانند - در عوض در شهرهای نزدیک مانند بیت عنیا می‌مانند و در طول روز به اورشلیم می‌آمدند

اینجا در اورشلیم است که یک جلسه نامقدس بین حاکمان مذهبی آن روز در حال برگزاری است

آیه ۱ - سران کاهنان و کاتبان به دنبال این بودند که چگونه [عیسی] را به صورت مخفیانه دستگیر کنند و او را بکشند

فقط چند روز قبل از آن، جمعیت برای استقبال از عیسی به اورشلیم آمده بودند. او سوار بر الاغ آمده بود. وقتی او به شهر می‌آمد، جماعت خرقه‌ها و شاخه‌های خرما را روی جاده پهن کردند. کسانی که پیشاپیش او می‌رفتند و آنان که از پس او می‌آمدند، فریادکنان می‌گفتند: «هوشیاعانا!» «مبارک است آن که به نام خداوند می‌آید!» «مبارک است!» «پادشاهی پدر ما داوود که فرا می‌رسد!» «هوشیاعانا در عرش برین»
۱۰ مرقس - ۹: ۱۱

شاه آمده بود

روز بعد، عیسی از تپه به سمت معبد بالا رفته بود و کسانی را که از آن برای کسب درآمد از توده‌ها استفاده می‌کردند، بیرون آورد. جمعیت از تدریس او شگفت زده شدند. حاکمان مذهبی احساس خطر کردند و به طور جدی شروع به تلاش برای خلاصی از شر عیسی کردند. آنها با استفاده از کلمات خود علیه او تلاش کردند و او را به دام بیاندازند. اما بارها و بارها شکست خورد

و اکنون به این آیات در ۱:۱۴ می‌رسیم - آنها به دنبال راهی آرام برای گرفتار کردن او بودند. آرام و بی‌سر و صدا، زیرا نه تنها از عیسی می‌ترسیدند، بلکه از غوغای مردم می‌ترسیدند.

آنها به طرز باورنکردنی از سوی عیسی احساس خطر می‌کردند.

نمی‌خواستند کارها را به روش او انجام دهند. آنها می‌خواستند همه چیز همانطور که بود بماند.

می‌خواستند بر همه چیز کنترل داشته باشند. و به این منظور حاضر به قتل بودند.

البته، ما داریم دقیقاً به فصل‌های پایانی داستانی می‌پریم که از مدتی قبل شروع و تا اینجا ادامه داشته است. و اگر در اینجا در حال بررسی ادعاهای عیسی هستیم، لطفاً هنگام خروج یک نسخه از انجیل مرقس را بردارید.

در اوایل داستان، عیسی قبلاً به پیروان خود و ما که ۲۰۰۰ سال بعد این را می‌خوانیم، گفته بود که دقیقاً این اتفاق خواهد افتاد.

او سه بار مرگ خود و نحوه وقوع آن را پیش‌بینی کرده بود. اگر یادداشت می‌کنید: ۸: ۳۱، ۹: ۳۰-۳۱ و ۱۰: ۳۳-۳۴.

فرمود: «اینک به اورشلیم می‌رویم. در آنجا پسر انسان را به سران کاهنان و علمای دین تسلیم خواهند کرد. آنان او را به مرگ محکوم خواهند نمود و به اقوام بیگانه خواهند سپرد. ایشان استهزایش کرده، آب دهان بر وی خواهند انداخت.» و تازیانه‌اش زده، خواهند کشت. اما پس از سه روز بر خواهد خاست
۳۴ مرقس - ۱۰:۳۳

حاکمان مذهبی امیدوارند که بی‌سر و صدا عیسی را دستگیر کرده و بکشند، اما همان کسی که می‌خواستند این کار را با او انجام دهند، از قبل می‌دانست که این اتفاق می‌افتد.

در واقع او می‌خواست این اتفاق بیفتد.

او قبلاً به پیروان خود گفته است که (۱۰: ۴۵) جان خود را به عنوان فدیة برای بسیاری از افراد خواهد داد. و علیرغم نیت حاکمان مذهبی، او این کار را در این عید پسخ، به عنوان بره نهایی پسخ انجام خواهد داد.

نه فقط برای رهایی قومش از بردگی فرعون در مصر، بلکه برای رهایی مردمش از بردگی گناه و شیطان.

نه فقط مردمش را از بردگی نجات می‌دهد، بلکه می‌میرد تا آنها را فدیة بدهد تا قوم او شوند و او خدایشان باشند، تا او با آنها باشد، با ما، و نه فقط در سرزمین موعود از شیر و عسل جاری، بلکه در موعود جدید ابدی. آسمان و زمین جدید.

این حاکمان مذهبی قاتل برای حفظ قدرت خود نقشه می‌کشیدند، اما خداوند عیسی پادشاه جهان است و او نقشه نجات خود را از طریق نقشه‌کشنده آنها انجام می‌داد. آنها قصد داشتند او را کنار بگذارند. اما او در نظر داشت که با این طرح آنها او را به تخت سلطنت برسانند.

او تماماً و کاملاً تحت کنترل است - و این یک فکر شگفت‌انگیز است. مهم نیست که جهان درباره ما به عنوان مسیحی چه فکری می‌کند، مهم نیست که جهان درباره خداوند عیسی چه فکری می‌کند، او برنامه‌های باشکوه خود را اجرا خواهد کرد.

زمانی که مرگ او برنامه‌ریزی شده بود - قتل خود خدا، آیا تا به حال نقشه تاریک تری طراحی شده است؟ آیا تا به حال روز تاریک تری وجود داشته است؟ - زمانی که مرگ او برنامه‌ریزی شده بود، او تماماً و کاملاً تحت کنترل بود. و او در آن روز نه فقط خوب عمل کرد، بلکه نیکی را برای شما به ارمغان آورد. و این یک فکر آرامش‌بخش است.

ویلیام کاپر شاعر مشهور قرن هجدهم بود که در تمام دوران بزرگسالی خود با افسردگی عمیق و تاریک مبارزه کرد. او هرگز بهبود نیافت. و با این حال، او به همراه دوست و کشیش جان نیوتن، یکی از زیباترین سرودها را نوشت.

خداوند برای انجام شگفتی‌های خود به شیوه‌ای مرموز حرکت می‌کند. او قدم‌های خود را در دریا می‌گذارد و بر ۱ طوفان سوار می‌شود.

در اعماق معادن غیرقابل درک ۲.
از مهارت‌های هرگز شکست ناپذیر
، او برای طرح‌های درخشان خود ارزش قائل است
و اراده مستقل خود را عملی می‌کند.

ای مقدسین ترسناک، شجاعت تازه ای بگیرید ۳.
ابری که خیلی از آن می‌ترسید
با رحمت بزرگ هستند و خواهند شکست
و با برکت بر سرت میریزند.

خداوند را با عقل ضعیف قضاوت نکنید ۴.
اما برای لطفش به او اعتماد کنید
پشت هر مشیت ناخوشایند [نوبت وقایع]
او چهره ای خندان را پنهان می‌کند.

اگر خدا می‌تواند حتی از قتل پسر خود خیری بیاورد، می‌توانیم در تاریک‌ترین روزهایمان به او اعتماد کنیم. ما نمی‌دانیم چرا این همه چیز اتفاق می‌افتد، اما به دلیل صلیب، می‌توانیم در تاریک‌ترین روزهای خود به عیسی اعتماد کنیم.

چگونه به این عیسی پاسخ می‌دهید؟

صحنه ۲: زن عبادت‌کننده و شاگردان خشمگین آیات ۳-۹

داستان به شهر بیتانی، و خانه شمعون جذامی می‌رسد. ما اینجا با عیسی و گروهی از دوستان و دیگران هستیم. آنها در حال خوردن یک وعده غذایی خاص هستند، عیسی دور میز نشسته است، همانطور که شما در وعده‌های غذایی خاص در روز و عصر انجام می‌دهید.

به علاوه، مرقس در مورد اینکه مردم دور میز چه کسانی هستند، حرف زیادی نمی‌زند، اما از یوحنا ۱۲ (نیازی به رجوع به آنجا نیست) می‌دانیم که در خانه مریم، مارتا و لازاروس بوده است، بنابراین شمعون جذامی احتمالاً پدر آنها است اما این چیزی نیست که مرقس از ما می‌خواهد روی آن تمرکز کنیم - او می‌خواهد ما روی آنچه قرار است اتفاق بیفتد تمرکز کنیم.

، چون عیسی در بیت‌عنیا در خانه شمعون جذامی بر سفره نشسته بود، زنی با ظرفی مرمرین از عطری بسیار گرانبها از سنبلیله خالص، نزد عیسی آمد و ظرف را شکسته، عطر را بر سر او ریخت
مرقس ۱۴:۳

از هند یا عربستان وارد می‌شد و بوی خوبی می‌داد.

و او آن را شکست.

و همه آن را روی سر او ریخت.

مسح کردن سر مهمانان محترم در چنین وعده‌هایی طبیعی بود، و با دانستن بخشی از داستان آنها (عیسی برادر او را از مردگان زنده کرد) می‌توانید بفهمید که چرا او این کار را می‌کند

اما این یک خیساندن است، نه فقط کمی خیس کردن. یک ظرف، واژگون، بالای سرش و سرتاسر بدنش خیسانده میشود.

عیسی در عطر خیسانده میشود.

شما در مورد آن چه فکر میکنید؟

دوربین به سمت برخی دیگر در اتاق می چرخد.

آیه ۴ – با عصبانیت با خود می‌گفتند: «چرا عطر گرانبها این‌طور هدر رفت؟ زیرا می‌شد این عطر را بیش از سیصد دینار فروخت و به فقرا داد»

کلید درک پاسخ آنها در درک ارزش یک دینار است. دناریوس واحد پول رومی بود. و این حدود دستمزد یک روز کارگر یا سرباز بود. بنابراین، ۳۰۰ دینار اساساً حقوق یک سال کارگر یا سرباز است. اکنون، دستمزد یک کارگر این روزها می‌تواند بسیار متفاوت باشد، اما وب سایت استخدام ارتش بریتانیا به من می‌گوید که یک سرباز در ارتش بریتانیا سالانه ۲۱۴۲۴ پوند درآمد دارد

این زن به تازگی بیش از ۲۱۰۰۰ پوند عطر روی سر عیسی ریخته است. ۲۱۰۰۰ پوند همینطوری رفت

تمام کارهای خوبی را که می‌توانید با ۲۱۰۰۰ پوند انجام دهید تصور کنید

می‌توانید به بسیاری از دهان‌های گرسنه غذا بدهید - و در شهر ما تعداد زیادی از آنها وجود دارد •

• M1، می‌توانید یک کارخانه جدید را برای کلیسا در سال اول آن سرمایه‌گذاری کنید. در شهر لیدز، درست بالای یک شهر بزرگ با تعداد انگشت شماری کلیساهای اعلام‌کننده انجیل است - این شهر از نظر معنوی بسیار نیازمند است و صرفاً به کلیساهای بیشتری نیاز دارد. ۲۱۰۰۰ پوند در آنجا خیلی خوب است

• می‌توانید از تعداد انگشت شماری از خادمین انجیل در برخی از دست‌نیافتنی‌ترین نقاط جهان حمایت کنید - که بسیاری دیگر می‌توانند خبرهای خوب درباره عیسی را بشنوند، نام او را صدا کنند و بخشیده شوند

• در بحبوحه بحران هزینه‌های زندگی، این امر تا حد زیادی می‌تواند برخی از نگرانی‌های مالی شخصی ما را کاهش دهد

تمام کارهای خوبی را که می‌توانید با ۲۱۰۰۰ پوند انجام دهید تصور کنید. چه بیهوده، فقط ریختن آن روی سر عیسی برای کسری از ثانیه

در نقاط مختلف انجیل مرقس، سؤالاتی را می‌خوانیم که واقعاً از ما پرسیده می‌شود - و این یکی از آنهاست

"چرا عطر گرانبها این‌طور هدر رفت؟"

یا اگر در آن اتاق بودید، آیا حاضر بودید تمام درآمد سالانه خود را صرف ریختن عطر بر سر عیسی کنید؟

من این فکر را عمیقاً نگران‌کننده و چالش‌برانگیز می‌دانم. من می‌دانم که من شبیه این زن نیستم - و فکر نمی‌کنم تنها کسی در این اتاق باشم که باید صادقانه چنین پاسخی بدهم. ما می‌خواهیم مانند آن زن باشیم - اما ما مانند تماشاچیان هستیم

"چرا عطر گرانبها اینطور هدر رفت؟"

اطرافیان در حال هیاهو بودند. آنها از او خشمگین و عصبانی هستند. آنها عمیقاً توهین می کنند - به زن، به هدیه او، اما مهمتر از همه، به خود عیسی

و پس از آن است که عیسی، برای اولین بار در داستان ما، صحبت می کند
"آیه ۶" او را به حال خود بگذارید

"او به آنها می گوید: "او را به حال خود بگذارید." او به زن نمی گوید "مرا تنها بگذار

» او ادامه می دهد: «چرا میرنجانیدش؟ او کاری نیکپ در حق من کرده است

یک سوال دیگر، برای کسانی که آنجا هستند، و همچنین برای ما

"چرا میرنجانیدش؟"

در دل ما چه می گذرد؟ چرا این زن را میرنجانیم، چرا از او انتقاد می کنیم؟

او کار نیکویی در حق عیسی انجام داده است. این قلب ماست که وارونه است، مسیر اشتباهی دارد - به همین دلیل است که ما آن را در یک طیف منفی می بینیم

عیسی ادامه می دهد، (آیه ۷) فقیران را همیشه با خود دارید و هر گاه بخواهید می توانید به آنها کمک کنید، اما من همیشه نزد شما نخواهم بود
مرقس ۱۴: ۷

او نمی گوید که کمک به فقرا بد است - پس تحت تأثیر این فکر قرار نگیرید. او از آنها و ما می خواهد که برای فقرا
خبری کنیم

اما، او خود را بالاتر از فقرا قرار می دهد

او خود را بالاتر از این فرمان قرار می دهد که «همسایه خود را مانند خود دوست بدار». او خود را در بزرگترین
"فرمان قرار می دهد: "خداوند، خدای خود را با تمام قلب، جان، ذهن و قوت خود دوست بدار

او اینجا ادعا می کند که خداست

و این زن تنها کسی در اتاق است که این را درک می کند

و به همین دلیل است که کاری که او انجام داده کار زیبایی است - نه به دلیل اندازه هدیه او - جالب است که عیسی
در آیه ۸ همان چیزی را در مورد مسح گران قیمت خود می گوید که در مورد دو بیوه فقیر می گوید

نه، زیبایی هدیه به دلیل بزرگی آن نیست. به خاطر قلب پشت آن است

هدیه زیبا بود چون برای او بود و او زیباست

"چرا میرنجانیدش؟"

... زیرا همراه با آن تماشاگران، خودمان را در جای اشتباهی قرار داده ایم و عیسی را در جای اشتباهی قرار داده ایم

... اما دقیقاً به همین دلیل است که عیسی به صلیب می رود

آنها کوتاهی کرده اند و ما هم همینطور

آنطور که باید با خداوند رفتار نکرده‌اند، او را با قلب، روح، ذهن و قدرت دوست نداشته‌اند. و ما هم نداریم

اما نکته زیبا اینجاست

این نجات‌دهنده‌ی زیبا برای گناهکاران آمده است نه صالحان. برای گناهکارانی مانند آن تماشاگرانی که اشتباه می‌کنند، برای گناهکارانی مانند آن زن که این بار کارش درست بود اما گاهی مرتکب گناه شده است. این نجات‌دهنده‌ی زیبا برای امثال ما آمده است، افرادی با قلب‌های وارونه

عیسی ادامه می‌دهد (آیه ۸) "او آنچه را که می‌توانست انجام داده است. او بدن مرا از قبل برای دفن مسح کرده است."

این نجات‌دهنده‌ی زیبا آمد تا برای گناهکاران بمیرد. و او به سمت صلیب می‌رود. زن تا حدی این را فهمید. نجات‌دهنده‌ی زیبا بره عید پسخ بود که برای فدیة بسیاری ذبح می‌شد. برای فدیة کسانی که دلشان وارونه است، برای بخشش کسانی که به او دشنام می‌دهند

عیسی می‌گوید هرگاه این مژده شیرین، شاد و خوش در هر جایی اعلام شود، آنچه این زن انجام داده است به یاد او گفته می‌شود - همانطور که ما اکنون این کار را انجام می‌دهیم

اما چه نجات دهنده ای داریم

خود خدا به شکل انسانی در میان ما آمده است. کاملاً شایسته عجیب‌ترین ژست. دفاع از این زن در برابر دشمنی، مردان اطرافش. به صلیب می‌رود تا بمیرد، تا جان خود را به عنوان فدیة بدهد تا کسانی را که به او توهین می‌کنند. کسانی که قلبشان وارونه است، کسانی که گناهکار هستند، نجات دهد

زمانی ما شروع به درک می‌کنیم که قلب ما نسبت به او ذوب شده است. همانطور که ما او را بهتر می‌بینیم، کاری که این زن انجام داد منطقی‌تر است

آن زن عطر را به این دلیل که عیسی کامل بود بر سر او ریخت - آن زن آن را ریخت زیرا خودش کامل نبود اما میدانست با این حال عیسی آنقدر او را دوست داشت که برای او بمیرد. و وقتی ما هنوز نمی‌توانیم حتی این لطف عیسی را ببینیم، او هنوز آنقدر ما را دوست دارد که جانش را برای ما بدهد

او نجات دهنده ماست که «فیض او دریایی عمیق است و محبت او فراتر از آسمان است.» او دوست گناهکاران است. او دوست ماست

چگونه به این عیسی پاسخ می‌دهید؟

صحنه ۳: "دوست" خیانت کننده. آیات ۱۰-۱۱

صحنه دوباره به یهودا اسخریوطی، یکی از دوازده دوست نزدیک عیسی می‌رسد. چه کسی همه این اتفاقات را دید. "و چه کسی (آیه ۱۰) "به پیش کاهنان اعظم رفت تا او را به آنها تسلیم کند

زن به سمت عیسی آمد - اما یهودا رفت تا به او خیانت کند

نقشه عیسی در حال تحقق بود. همانطور که در ۱۰: ۳۴ گفت، در اینجا او «به سران کاهنان و علما تسلیم می‌شود.» و آنها او را به مرگ محکوم خواهند کرد و به دست غیریهودیان خواهند سپرد

عیسی برای مرگش مسح شده است، او برای مرگش تحویل داده می‌شود

«آیه ۱۱ الف - «و چون آن را شنیدند، خوشحال شدند و وعده دادند که به او پول بدهند

. آن زن در مسح کردن عیسی قربانی گرانقیمتی را با ایمان انجام داد

. یهودا دوست خود، خالق خود، خدای خود را قربانی می کند تا کمی پول بیشتر به دست آورد

"آیه ۱۱" و او به دنبال فرصتی بود تا به او خیانت کند

مهتره های شطرنج در جای خود حرکت می کنند. پایان بازی نزدیک است. با این حال عیسی کاملاً تحت کنترل است. و او به سمت صلیب حرکت می کند. او به سمت صلیب حرکت می کند تا گناهکارانی را که قلبشان وارونه است، نجات دهد. او برای ما به آنجا می رود

. این متن را در اینجا متوقف میکنیم - . این داستان روز پنجشنبه ادامه میابد. لطفاً پنجشنبه برگردید

با پایان یافتن در اینجا، چهار پاسخ به عیسی وجود داشت. کدام از آن شماست؟

. حاکمان مذهبی تهدید شده بودند - آنها چیزها را به روش خود می خواستند و نه او را

. زن فداکاری پرهزینه ای از ایمان کرد - او دید که او کیست، و دید که او ارزش همه چیز و بیشتر را دارد

. شاگردان فکر می کردند که او این همه پول را هدر می دهد - آنها ایده های بهتری در مورد چگونگی اصلاح دنیا داشتند

. و یهودا حاضر شد به او خیانت کند

و با این حال، این واقعاً پاسخ ما به عیسی نیست که مهم است. این پاسخ او به ما است. قبل از اینکه به سمتش برویم به سمت ما می آید

- پس ببینید این عیسی چگونه به شما پاسخ می دهد

او شما را همانگونه که هستید می بیند، با تمام شکستگی ها و ضعف هایتان. گاهی درست رفتار میکنید، و گاهی اشتباه؛ اما او شما را می بیند و شما را دوست دارد و برای شما به صلیب رفت

. او برای گناهکاران آمد، نه صالحان. او آمد تا جان خود را به عنوان فدیة برای گناهکارانی مانند ما بدهد

چگونه به این عیسی پاسخ می دهید؟

. او همانطور که زن این داستان متوجه شد، باید برای ما بزرگترین گنج روحمان باشد

باشد که مانند شاگردان این داستان، او را بشناسیم و در او آرام بگیریم و از او لذت ببریم که منجی بخشنده زندگی ویران ماست